

## پاسخی بر

# زمینه های خیزش مردم «اران» یا «جمهوری آذربایجان»

جواد ملابهرامی

آقای ورجاوند مخترع تثر آران یا آذربایجان می باشد که مقاله ای نیز در مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسانده بودند که مقاله زیر در پاسخ به این فراماسون فرتوت در همان سال نگاشته شده بود که هیچ وقت چاپ نشد این مقاله اینک ارائه می شود.»

با مطالعه نوشته جناب آقای دکتر پرویز ورجاوند در شماره چهارم سال چهارم مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی در مورد «زمینه های خیزش مردم «اران» یا «جمهوری آذربایجان» لازم دیدم که پاره ای از مطالب ایشان را مورد بحث و بررسی قرار دهم. (فقط بعد فرهنگی در نظر است). اول در مورد نام آذربایجان شمالی است که ایشان بنام «اران» خواند و تاکید نیز کرده اند که نام آذربایجان شمالی آران بوده است. ولی اشاره نکرده اند که از چه زمانی نام سرزمین آذربایجان شمالی «اران» بوده است. گویا نویسنده از لحاظ جغرافیایی به سرزمین آذربایجان شمالی آشنایی کافی ندارد زیرا «اران» تنها به دشتهای هموار سامور دوه چی لنکران و گنجه قزاق ما بین رودهای ارس و کور به طول ارس در آذربایجان گفته می شود، که این دشتهای هموار در تابستان، هوایی گرم و در زمستان هوایی ملایم داشته و از اقلیم خوبی برخوردار است. پس «اران» تنها بخش محدودی از سرزمین آذربایجان شمالی است نه کل آذربایجان شمالی، این مطلب به همان اندازه غیره صحیح می باشد که کسی ادعا کند آذربایجان جنوبی نامش مغان است، در حالی که همگان می دانیم مغان تنهادشتی است در آذربایجان به نظر می رسد که عدهای تصورشان این است که مردم آذربایجان شمالی برای خود خطی نداشته و اگر هم داشته همان فارسی بوده است، چنانکه در این مقاله نیز آمده است. «در زمینه های بنیادی و فرهنگی نیز حکومت کمونیستی برای قطع ارتباط این مردم با هم کیشان و فرهنگ میهن مادر، دست به تغییر خط آنها زد و خط روسی را جانشین خط فارسی ساخت»

اما براساس تحقیقات جدید ثابت گردیده است که ترکان از قدیم برای خود الفباء داشته اند که من مختصراً سیر تحول الفبای ترکان قدیم را تا امروز بیان می کنم، الفبای ترکان قدیم را الفبای اورخون یئنی سئی تشکیل می داده است که کتیبه های کول تیکن - تونیوق - و کتیبه یا سنگ قبر بیلگه خاقان دلیل بر این ادعا هستند.

و این کتیبه ها را از آن جهت کتیبه های اورخون می نامند که چون در نزدیکی دشت رود اورخون و در جنوب دریاچه بایکال قرار گرفته اند.

سنگ نوشته های یثنی سئی که در نزدیکی رود یثنی سئی پیدا شده اند، متعلق به دو قرن قبل از سنگ نوشته های اورخون و مربوط به سنگ قبرهای ترکان قیرقیز است و این کتیبه ها در اوایل قرن ۱۸ میلادی توسط استرانبرگ در تبعید گاه سیبری و ضمن بررسی لهجه های آسیایی مرکزی پیدا شدند.

بدنبال الفبای اورخون می رسمیم به الفبای اوغوری در اثر حفریاتی که در شصت سال اخیر توسط اروپائیان به عمل آمده، مخصوصاً در مرکز خانات اوغورها در خرابه های شهر خوچو و یا ایدیکوت، آثار گرانبهایی که نشانگر تمدن ترکان و زبان و ادبیات اوغوری است بدست آمده است. که خط اوغوری تا آخر قرن ۱۵ میلادی، یعنی قرنهای بعد از آنکه اسلام آورند ادامه داشته است.

در دوران بعد از اسلام مهمترین اثری که به خط اوغوری نوشته شده کتاب قوتا قویلیگ است و بعد از آن آثاری از قبیل عتبه الحقایق - داستان اوغوزخاقان - بختیار نامه - معراج نامه - تذکره الاولیا - مخزن میر حیدر - محبت نامه خوارزمی و... نیز به این خط نوشته شده اند با قبول و اشاعه اسلام در میان ترکان خط اوغوری کم کم اهمیت خود را از دست داد و به تدریج جای خود را به خط عربی واگذاشت در آذربایجان شمالی در سال ۱۹۲۹ الفبای لاتین جای الفبای عربی (نه فارسی) را گرفت. که تا سال ۱۹۳۹ رایج بود ولی از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۹۲ از این الفبا و پس از استقلال جمهوری آذربایجان از الفبای لاتین تا حال استفاده می گردد.

لازم به تذکر است که خط سیریلیک نیز همان خط روسی نمی باشد بلکه الفبای سیریلیک در قرن نهم میلادی توسط دو برادر به نامهای کیریل و متودی در شهر سالونیک یوگسلاوی برای نوشتن کتاب مقدس به زبان اسلاوی ساخته شد و ابتدا گلاگولیت نامیده می شد. الفبای سیریلیک آذربایجان شمالی ۳۲ حرف داشت که ۹ حرف آن صدا دار و بقیه بی صدا بودند. در گوشه ای دیگر از مقاله آمده است: «نام اصلی و تاریخی جمهور آذربایجان از دیرباز «اران» بوده و در سال ۱۹۱۸ «حزب مساوات» که پیرو «پان تورکیست» های ترکیه بود و هدفهای خاصی رادنبال می کرد، نام کنونی را بر آن نهاده است، از این رو مردم آن خطه را نباید آذری نامید».

ولی بنا به دلایل محکمی باید گفت که ترکان آذربایجان را «آذری» نامیدن غیر صحیح است برای اینکه ترکی آذربایجان هم مانند ترکی ترکیه و ترکی ترکمنی شاخه ای از ترکی اوغوزی است که در مجموع ترکی غربی را تشکیل می دهند و وقتی ما میگوییم ترکی آذربایجان منظورمان ترکانی است که زبانشان ترکی بوده منتهی به لهجه آذربایجانی تکلم می کنند. پس آذری به مفهوم لهجه ترکان آذربایجان است نه چیز دیگر که صحیح تر این است که بگوییم زبان ترکی آذربایجانی، که این زبان ترکی آذربایجانی از اختلاط لهجه های اوغوز و قپچاق و ترکی شرقی اوغوری بوجود

آمده است که در زمان امیر تیمور و بعد از آن با آمدن ایلات ترک آنا طولی به آذربایجان عنصر اوغوز در ترکی آذربایجان بیشتر شد.

در شماره ۵ زیر نویس همین مقاله آمده است «... همچنین بحث مربوط به آذربایجان اصلی و چگونگی تغییر زبان فارسی به ترکی در این ناحیه...». مختصراً در مورد مطلب فوق نیز نکاتی چند قابل ذکر است، متأسفانه ریشه این مطلب برمی گردد به ادعای کسانی که تحت تاثیر فرهنگ شوونیستی و استعمار فرهنگی نیم قرن گذشته معتقدند که ترکی زبان مردم آذربایجان و ترک زبانان ایران نیست. زیرا این مردم تا آمدن مغولها به ایران «تاتی» و یا «فارسی» بوده و ترکی در زمان حکومت مغولان به مردم تحمیل شده است در رد این ادعای کاذب باید گفت که اولاً کسی نمی تواند منکر این واقعیت باشد که زبان فارسی از خارج ایران، یعنی از آنطرف جیحون به وسیله ترکان غزنوی و سلجوقی به ایران آمده و با قدرت سلاطین ترک، زبان رسمی و ادب ایران و آسیای صغیر و هندوستان گردیده و بعداً هم با همکاری شعرای کلاسیک ترک زبان به این پایه ادبی رسیده است.

ثانیاً در دوران به اصطلاح تحمیل زبان ترکی، یعنی در زمان حکومت مغول هنوز ترکی آذربایجانی به شکل زبان واحد شکل یافته امروزی در نیامده بود و ضمناً در بررسی زبان مردم شهرها و دهات و ایلات ایران و خصوصاً آذربایجان می بینیم نسبت لغات فارسی و عربی، یعنی لغات دخیل در شهرها و مراکز دولتی و فرهنگی بیشتر هر چه به داخل ایلات و دهات برویم، در زبان و شیوه های مردم لغات دخیل غیر ترکی کمتر و به عبارت دیگر زبان آنها ترکی خالص تر است و حال معلوم نیست مغولهای ساده با چه وسایلی و مدت و شیوه نامکشوفی میلیونها مردم بی سواد و ایلات دور افتاده را تعلیم زبانی ترکی داده و حتی وادار نموده اند که زبان مادری یعنی تاتی یا فارسی را فراموش کنند و عجیب تر آنکه در میان ایلات و دهات دور افتاده بیش از شهرها که مرکز تعلیم و تربیت است موفقیت داشته اند و باز معلوم نیست که چرا اینکار را برای زبان مغولی که زبان خودشان بود انجام ندادند!!!

در آخر باید به این نکته مهم تاکید داشت، اندیشمندی که می خواهد درباره ملتی کتابی یا مقاله ای را بنگارد لازم است که در وهله اول لااقل به تاریخ و فرهنگ و زبان آن ملت آشنایی کافی داشته باشد.

## منابع

۱- سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی دکتر جواد هیئت

۲- نگاهی به تاریخ و فرهنگ ترکان دکتر جواد هیئت

۳- دایره المعارف آذربایجان جلد اول ص ۳۵۱

خوانندگان محترم همچنین برای اطلاع بیشتر می توانند به منابع زیر مراجعه نمایند:

- ۴- دیوان لغات ترک (در مورد الفبای اویغوری) محمود کاشغری
- ۵- تورک دیلی تاریخی (تاریخ زبان ترکی) احمد جعفر اوغلو، در مورد مراحل مختلف تاریخ این زبان و لهجه ها
- ۶- آذربایجان ادبی دیلینین تاریخی (تاریخ زبان ادبی آذربایجان) پروفیسور دمیرچی زاده.
- ۷- معاصر آذربایجان دیلی (زبان معاصر آذربایجان) پروفیسور دمیرچی زاده
- ۸- تاریخچه زبان ترکی آذری دکتر جواد هیئت
- ۹- تورکولوژیانین اساسلاری پروفیسور فرهاد زینا لوف ، درباره زبان و لهجه های معاصر ترکی و تقسیم بندیهای آن.
- ۱۰- دایره المعارف بریتانیا، چاپ ۱۹۷۱، جلد دوم صفحات ۹۲۱ و ۹۳۲
- ۱۱- دایره المعارف آمریکا چاپ ۱۹۶۲ . جلد ۱۵ صفحه ۳۰۷
- ۱۲- دایره المعارف آمریکا چاپ ۱۹۷۱ جلد دوم ، نیویورک صفحه ۷۹۱ و جلد ۲۷ صفحه ۲۷۷
- ۱۳- دایره المعارف انترناسیونال نیویورک ۱۹۷۵ جلد دوم صفحه ۲۸۶
- ۱۴- دایره المعارف آلمانی بروک هاوسی جلد اول صفحه ۱۹۶